



مقاله پژوهشی / تمثيل در نثر دوره مشروطه با تکیه بر نثر میرزا فتح‌علی

آخوندزاده

سیدحسین فاضلی*

چکیده

روشن‌فکران، آزادی‌خواهان، علما و روحانیون و حتی تجار عصر قاجار، شکل جدیدی از ادبیات ملی و سیاسی را پدید آوردند. آنان با سلاح اندیشه و گفتار به مبارزه سیاسی پرداختند و در مطبوعات و روزنامه‌نگاری و یا با استفاده از استعداد شعر و شاعری و نویسندگی در راستای ابلاغ افکار و عقاید سیاسی و ملی، خواستار قانون‌طلبی و مشروطه‌خواهی شدند و به اقتضای آن‌که اکثر مخاطبان‌شان جوانان و توده مردم بودند، به سادگی و بی‌پیرایگی کلام و تمثیل روی آوردند. تمثیل‌های این دوره معادل مفاهیم غربی آن، حکایت، مَثَل و حکمت است. آخوندزاده تمثیل را معادل درام برای اصلاح اخلاق و عبرت گرفتن خوانندگان و شنوندگان می‌داند. روی آوردن به طنز در این دوره سبب رواج تمثیل‌های طنزآمیز گردید. نماد در دوره مشروطه پیوند محکمی با تمثیل دارد. پیشینه پژوهش، با توجه به واژگان کلیدی، دربردارنده آثار باارزش و علمی مختلفی است اما در عنوان پژوهش، تمثیل در نثر آخوندزاده، در نوع خود تازه و نو است. ضرورت و اهداف اصلی و فرعی مقاله در آشنایی با نثر مشروطه و شناخت تمثیل در نثر آخوندزاده شکل گرفته است. این پژوهش به شیوه استنادی - کتاب‌خانه‌ای با رویکرد تحلیلی با دامنه‌دار کردن گستره مقاله به نثر دوره مشروطه و حوزه نثر این دوره را به نثر آخوندزاده محدود نموده، در آثار وی به بررسی و کارکرد تمثیل در نثر آن دوره پرداخته است.

واژگان کلیدی: تمثیل، نثر، مشروطه، آخوندزاده.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۵ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران. hfazeli016@gmail.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): فاضلی، سیدحسین. (۱۴۰۰). تمثیل در نثر دوره مشروطه با تکیه بر نثر میرزا فتح‌علی آخوندزاده. <i>تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی</i> ، ۵۱(۱۴): ۱۰۶-۱۱۹. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1401.14.51.5.1	
 Creative Commons: CC BY-SA 4.0	 DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.51.5.1
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و یکم / بهار ۱۴۰۱ / از صفحه ۱۰۶-۱۱۹	

مقدمه

ادبیات، در قلمرو تاریخ جهان، همواره به عنوان گنجینه‌ای از رویدادها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تحولات اجتماعی و سیاسی یک ملت محسوب می‌شود. آثار ادبی و جلوه تحولات آن در نظم و نثر، در قالب تاریخ، فلسفه، رمان، تأثر، نمایش، تمثیل، شعر و... همواره به‌عنوان مفاهیم نمادین و سمبولیک مورد توجه مردم در هر عصر و زمانی بوده، تا جایی‌که به عنوان کانون تبلور اندیشه‌های فردی و اجتماعی در اعتلای فرهنگ یک ملت تأثیر به‌سزایی داشته است. این آثار معرف احساسات، گفته‌ها، نوشته‌ها و میل‌های روانی و اجتماعی و همچنین بیانگر زیبایی‌ها و زشتی‌ها و بایست‌ها و نبایست‌هایی هستند که در بازتاب تاریخی و به مرور زمان عمل کرد واقعی خود را نشان داده‌اند.

تازگی‌هایی که ادبیات ایران عصر مشروطه پیدا کرده بود، هم از لحاظ مضامین و هم از لحاظ شیوه بیان، نشان‌گر آن بودند که مشروطیت یکی از ماندگارترین تأثیرات خود را بر جامعه ایران گذاشته است. ادبیات در عصر مشروطه تا حد زیادی مردمی شد و از مغلق‌گویی‌های خاص مجالس رسمی و ادبی رهایی یافت و نیز به یک ابزار مهم و مؤثر در مبارزه سیاسی تبدیل گردید؛ چنان‌که مشروطیت یکی از سیاسی‌ترین دوره‌های ادبی ایران را به خود اختصاص داد. از این‌رو، نویسنده و شاعر دوره مشروطه برای بیدار کردن مردم عادی به تمثیل روی بیاورد تا از این راه موضوعات و مسائل سیاسی را برای مردم قابل فهم‌تر نماید.

پیشینه پژوهش

گذشته از کتاب‌هایی چون «از صبا تا نیما»، یحیی آرین‌پور (۱۳۷۲) و «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» از ایرج پارسی‌نژاد (۱۳۸۰) که در بخش‌هایی به بررسی آرا و اندیشه‌های آخوندزاده پرداخته‌اند، مهم‌ترین پژوهش درباره آخوندزاده، کتاب «اندیشه‌های میرزا فتح‌علی آخوندزاده» نوشته فریدون آدمیت (۱۳۴۹)، نویسنده در آن به بررسی و نقد اندیشه‌های آخوندزاده پرداخته است.

درباره تمثیل به آثار فراوانی از قبیل کتاب، مقاله، رساله و پایان‌نامه برمی‌خوریم اما درباره تمثیل در دوره مشروطه، آن هم نثر این دوره، کم‌تر مواجه هستیم. مقاله مهدی رضا کمالی بانیانی و حسین آریان (۱۳۹۶)، «شاخه‌ها و شاخه‌های تمثیل در ادبیات دوره مشروطه» چاپ شده در فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر؛ اما درباره موضوع و عنوان این مقاله تمثیل در نثر آخوندزاده تألیفی تاکنون نوشته نشده است.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه استنادی - کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی با دامنه‌دار کردن گستره مقاله به نثر دوره مشروطه و حوزه نثر این دوره را به نثر آخوندزاده محدود نموده، و در آثار وی به بررسی و کارکرد تمثیل در نثر آن دوره پرداخته است.

پرشش و فرضیه

یکی از پرسش‌های اساسی در مورد تمثیل این دوره، به علل پیدایش و گسترش حکایت و مثل در این دوره مربوط می‌شود. مسلماً گسترش تمثیل را در چنین سطح گسترده‌ای نمی‌توان محصول ذوق و قریحه فردی دانست. گستردگی طنز در دوره‌ای که مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در آن شکل گرفته است، لزوم توجه به ارتباط تمثیل با مسایل اجتماعی - سیاسی و عنصر زمان را یادآور می‌شود.

اهداف پژوهش

هدف کلی: شناخت کارکردهای گوناگون تمثیل در دوره‌های مشروطه.
هدف جزئی: شناخت و بررسی تمثیل در نثر داستانی و نمایش‌نامه‌ای آخوندزاده.

دامنه پژوهش

آثار منشور میرزا فتح‌علی آخوندزاده.

یحیی آرین‌پور زندگی و آثار آخوندزاده را در کتاب از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، جلد اول چنین آورده است:

میرزا فتح‌علی آخوندزاده در سال ۱۲۲۸ هـ.ق در شهر نوخا (شکّی) متولد شد. پدرش میرزا محمدتقی، اصالتاً تبریزی و در زمان ولایت عهدی عباس میرزا، کدخدای قصبه خامنه (در اطراف تبریز) بود که به علت ستمی که از دولتیان بر او رفته بود، خانه و زن و فرزندش را در خامنه گذاشت و به نوخا رفت. در آنجا با نعنا خانم، برادرزاده آخوند ملاعلی اصغر که از افاضل علمای آن شهر بود، ازدواج کرد و میرزا فتح‌علی از این پیوند به وجود آمد (آرین‌پور، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۴۳). میرزا فتح‌علی با توشه‌ای از فرهنگ و ادبیات اسلامی از یک سو و از سوی دیگر با تسلط به زبان روسی و شرکت در محافل روشنفکری روس‌ها، از طریق این زبان علاوه بر ادبیات روس، ترجمه آثار متفکران و ادبیات فرانسه و

انگلیس را نیز به روسی مطالعه کرده و شخصیت فکری و ادبی‌اش کامل می‌شود (آدمیت، ۱۳۴۹: ۹-۱۴). مهم‌ترین آثار او از این قرار است:

۱. مکتوبات کمال‌الدوله (۱۲۸۱-۱۲۸۰هـ.ق) که بعدها به سه مکتوب معروف شد و توسط میرزا یوسف خان مستشار الدوله از ترکی به فارسی ترجمه شد.
۲. رساله ایراد در نقد «روضه الصفای ناصری» نوشته رضاقلی خان هدایت (۱۲۷۹هـ.ق)
۳. انتقاد بر رساله «یک کلمه» نوشته میرزا یوسف خان مستشارالدوله (۱۲۹۲هـ.ق)
۴. انتقاد بر مثنوی معنوی مولوی که به ترکی نوشته شده است (۱۲۹۳هـ.ق)
۵. رساله قریتیکا (کریتیکا=نقد) که در نقد شعر سروش اصفهانی است. (۱۲۸۳هـ.ق)
۶. ترجمه رساله «درباره آزادی» از جان استوارت میل (۱۲۸۱هـ.ق)
۷. داستان «ستارگان فریب خورده» یا حکایت یوسف شاه سراج (۱۲۷۳هـ.ق)
۸. شش نمایشنامه به ترکی (۱۲۶۷-۱۲۷۲هـ.ق)

آخوند زاده بعد از ۶۷ سال عمر در ۲۴ صفر ۱۲۹۵هـ.ق/۲۷ فوریه ۱۸۷۸ م. در شهر تفلیس درگذشت (آرین پور، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۴۸-۳۵۰).

بدنه پژوهش

اگر ادبیات یک جامعه را آینه‌ای برای انعکاس حال و روز آن جامعه بدانیم، چاره‌ای نیست جز این‌که برای شناختن ابعاد انقلاب مشروطیت ایران و برای دانستن حال و روز ایران عصر مشروطه، ادبیات سیاسی آن روزگار را نیز با دقت و جدیت مورد توجه و تأمل قرار دهیم. هر تحول اجتماعی و سیاسی، خواه ناخواه همه شئون جامعه از جمله ادبیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این امر در مورد انقلاب مشروطه نیز صدق می‌کند. «ادبیات آینه تمام‌نمای رویدادها، آیین‌ها، رفتارها، تلاش‌ها و اندیشه‌های جامعه است که زبان حال و شناسنامه یک ملت می‌باشد و می‌توان یک جامعه را با بررسی محتوا و موضوع ادبیات آن شناخت. رویدادها، رفتارهای اجتماعی را دانست و سیر تحول پدیده‌های اجتماعی را ردیابی کرد» (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۹) ویلیام جی گریس، در کتاب «ادبیات و بازتاب آن»، آینه تمام‌نما بودن ادبیات هر کشور را از روزگار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دینی چنین بیان می‌کند: «ادبیات هر ملت نماینده دل و جان و روان آن ملت و یکی از ارکان سیاسی و فرهنگی و تمدن هر قوم به شمار می‌آید» (جی گریس، ۱۳۸۱: ۵۰)

یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان سیاسی و ادبی مشروطه آخوندزاده است. وی دوران قبل از عصر بیداری را دوران طفولیت جامعه می‌خواند که در آن نصایح و پند و اندرز کارآمد بوده است و دوران خود یا عصر بیداری را دوران جوانی و کمال می‌داند. آخوندزاده معتقد است در این عصر به ادبیاتی مناسب با شرایط رشد و بلوغ جامعه نیاز است. محور اصلی این ادبیات باید بر اساس نقد و طنز پایه‌گذاری شود. او در این باره می‌نویسد: «امروز در هر یک از دول یورپا روزنامه‌های ساطریق [Satire] یعنی روزنامه‌های کزیتکا و هجو [Satire] در حق اعمال شنیعه هم‌وطنان در هر هفته مرقوم و منتشر می‌گردد. دول یورپا بدین نظم و ترقی از دولت کزیتکا رسیده‌اند، نه از دولت مواعظ و نصایح» (آخوندزاده، ۱۳۴۹: ۱۳).

تمثیل

معنی واژگانی تمثیل مثال آوردن، تشبیه کردن، یا داستان و روایتی را به عنوان نمونه بیان کردن، است. معادل انگلیسی آن الگوری allegory، در انگلیسی دوره میانه از واژه allegoria گرفته شده است این واژه لاتین خود از واژه یونانی allegor، مرکب از allos به معنی «دیگر» و agoria به معنی «صحبت» (نوع دیگر صحبت کردن) ساخته شده است. این نوع ادبی قدمت تاریخی بسیار طولانی دارد به طوری که شکل روایی بسیاری از اسطوره‌ها، تمثیلی است. ابن رشیق قیروانی در کتاب العمده، تمثیل را از شاخه‌های استعاره می‌داند و می‌گوید: «تمثیل در نظر بعضی، از مماثله است و آن چیزی است که چیزی را به چیزی تمثیل و همانند کنی که در آن اشارتی باشد.» (اصلائی، ۱۳۱۵: ۱۵) نقد الشعر اثر قدامه بن جعفر از قدیمی‌ترین منابعی است که درباره تمثیل، بی آنکه اسمی از آن آورده شود، گفته است: «آن عبارت از این است که شاعر خواسته باشد به معنایی اشارت کند، و سخنی بگوید که بر معنایی دیگر دلالت کند.» (همان‌جا) شمس قیس رازی در اواسط قرن هفتم در کتاب المعجم فی معانی اشعار العجم و کمال الدین حسین واعظ کاشفی در کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار تمثیل را نوعی استعاره دانستند و آن را بیان مطلب مورد نظر شاعر به صورت مثال بیان کردند. در این حالت شاعر برای بیان مقصود خود مثالی می‌زند که می‌تواند برای اثبات معنی کافی باشد. در اصطلاح ادبی، تمثیل نوعی روایت است که شخصیت‌ها، نمادها و موقعیت‌هایش بیانگر معادل‌هایی در ورای متن هستند. در تمثیل‌های ادبی، فلسفی یا تاریخی دو لایحه آشکار و نهان وجود دارد. در لایحه آشکار، فقط ماجرای داستانی طرح می‌شود و خواننده در سطح سیر می‌کند. اما در لایحه پنهان، طرح داستان، شخصیت‌ها و حتی مکان، در ورای خود، مابه‌ازای دیگری دارد و نظمی دیگر در آن حاکم

است. پس اجزای لایه اول در تمامیت خود برای بیان لایه دوم به کار می‌رود. از همین منظر تفاوت نماد با تمثیل قابل بررسی است، چرا که نماد ماهیتی چند لایه دارد و جز خود، نه چیز دیگر، که چیزهای دیگری را می‌تواند بیان کند. افلاطون در کتاب هفتم جمهور در تبیین مهم‌ترین اصل فلسفی خود، دنیای مُثُل، جهان مادی را به غاری تمثیل می‌کند و ساکنان آن را، درماندگانی که از آغاز طفولیت در آنجا بوده‌اند. اندام‌های آنها چنان با زنجیر بسته شده که برای آنها حرکت نامیسر است. آنان جز دیوار سنگی مقابل خود، چیز دیگری را نمی‌توانند ببینند. در پشت سر این افراد آتشی برافروخته وجود دارد و بین آنها دو دیوار وجود دارد. در امتداد دیوار باربرانی عبور می‌کنند که با خود اجسامی را حمل می‌کنند و سایه آنها، از فراز دیوار روی دیوار غار می‌افتد. افلاطون می‌گوید: «چه منظره شگفت‌انگیزی! چه زندانیان عجیبی! چرا که آنان سایه‌ها را حقیقت می‌پندارند.» (همان: ۱۶) سیر و سلوک زائر، اثر جان بنیان یکی از مشهورترین داستان‌های تمثیلی ادبیات جهان است. این داستان به تاثیر از کتاب مقدس، بر پایه استعاره بنیادین مذهبی «زندگی، سفر است» ساخته شده و شخصیت‌های تمثیلی داستان، هر یک جای‌گزین مفهومی انتزاعی و مذهبی هستند.

ابشالوم و آچیتفل اثر جان درایدن تمثیل طنزآلود تاریخی سیاسی است. حوادث و شخصیت‌های این اثر هر یک تجسم حوادث و شخصیت‌هایی تاریخی سیاسی زمان نویسنده است. مزرعه حیوانات اثر جورج اورول یکی دیگر از نمونه‌های معروف طنزهای تمثیلی است که در آن از واقعیت وحشتناک سیستم توتالیتار در حاکمیت کمونیستی شوروی سابق پرده برداشته می‌شود. داستان بلندشهبسوار بر باره باد اثر محمد قاسم زاده نمونه‌ای از اثری تمثیلی طنزآمیز در ادبیات معاصر فارسی است. این داستان حال و هوایی سنتی دارد، زبانش به سبک کلاسیک است و متون کهن ادب فارسی را در ذهن تداعی می‌کند. راوی این اثر کاتب سلطان، مسعود دبیر است و داستان به شیوه‌ای روایی دو بخش با «چنین می‌گوید خداوند این اخبار» آغاز می‌شود. در بخش اول دو شخصیت اصلی وجود دارد: سلطان و کاتب. دیگر عوامل هم چون وزیر، امیرزاده کی کاووس، امیرزاده کیابزرگ، قراولان، دیدبانان، دربانان، خواتین، فرزندان و نوادگان به عنوان توابعی از قدرت گرد سلطان می‌چرخند و گویی او خورشیدی است که دیگران از او نور می‌گیرند. «این قسمت شرح عظمت سلطانی است که گویی دیر زمانی است در قدرت می‌غلطد و اکنون از بد حادثه، در یک قلعه برهوت پرت به دام لشگری جدار گرفتار آمده است. در تمثیل شهبسوار بر باره باد سلطان، تجسم قدرت در تاریخی چند هزار ساله است و کاتب، تجسم فرهنگ سرزمینی حیاتش را در حاشیه قصرهای حاکمان جست‌وجو می‌کرده است. از منظر کاتب نمود فرهنگ تنها در تقریر لحظه به لحظه زندگی سلطان شکل می‌گیرد.

کاتب ماهیتی انگلی دارد و حتی با همسر خود رابطه سالمی ندارد. او خود به تنهایی هیچ است و از همان ابتدا، نشان می‌دهد که تا چه حد به کانون قدرت وابسته است...» (اصلائی، ۱۳۸۵: ۱۵)

ادبیات دوره مشروطه

ادبیات این دوره چه از حیث محتوا و چه از لحاظ بیان، تازگی‌هایی پیدا کرد که در دوران گذشته خبری از آن نبود. این نوآوری و تجددطلبی همراه با مایه‌های سیاسی و اجتماعی در جلوه‌ای از اندیشه‌های ملی و میهنی نمودار گردید و در نتیجه باب تجدد، تحت تأثیر سیاست زمان، با مضامین ادبی این دوره درآمیخت.

آشکارکردن فعالیت‌های ادبی، به منزله عمل کردن به آنها است. شاعران و نویسندگان به هنگام خلق آثار ادبی، سخن گفتن را نوعی عمل کردن یعنی آشکارنمودن منزلت‌ها و تعهدها و مسئولیتی لازم بر خود می‌شمردند و این مسأله در نهاد ادبیات به صورت تجربیات فکری و عینی مجسم می‌شود. از این رو در این دوره زبان شعر و نثر و شیوه شاعری و نویسندگی در خور فهم مردم کوچه و بازار و به صورتی ساده و بی‌تکلف ادا می‌شد؛ چنان‌که در نثر روزنامه‌هایی مثل قانون، صوراسرافیل، سخن، دنیا و نیز در اعلامیه‌ها و یا در اشعار و نظم‌ها، مطالب برای هر قشر از مردم — اعم از باسواد و بی‌سواد — چنان به گونه‌ای صریح تنظیم می‌گردید که برای همگان قابل فهم باشد. کلمات و واژه‌های سیاسی و ملی به صراحت وارد نظم و نثر می‌شدند و از آنجا به راحتی در اندیشه‌های مردم رسوخ پیدا می‌کردند. نغمه جان‌بخش آزادی و مژده عدالت و حکومت ملی، همراه با احساس میهن‌دوستی، عشق، فداکاری و پاکدامنی، در کنار درک تلخی‌ها و دردهای حکومت استبدادی، در تشنگان آزادی و عدالت تحولی بزرگ به ارمغان آورد.

پیامی دوشم از پیر می‌فروش آمد بنوش باده که یک ملتی به هوش آمد

هزار پرده ز ایران درید استبداد هزار شکر که مشروطه پرده‌پوش آمد

(عارف قزوینی، ۱۳۹۹: مقدمه)

در این میان برخی شاعران و نویسندگان، ضمن سرودن شعرهای سیاسی و انتقادی به زبان ساده و عامیانه، در قالب اشعار سنتی موضوعات تازه‌ای را در تمثیل‌هایی قابل فهم و ساده مطرح می‌کردند. در شعر و نثر عصر بیداری، نه تنها دوران ستایش‌گری و توصیفات تقریباً به سر آمد بلکه تمام مضامین شاعران از لحاظ ذهنی، احساسی، اخلاقی و عرفانی تا حدود زیادی با نقش‌های سیاسی و اجتماعی

جایگزین شدند و آرمان‌ها و اندیشه‌های مردمی در قالب شعر و ادب و نویسندگی در عرصه سیاست و جامعه نمودی تازه پیدا کردند.

تعدد شاعران و نویسندگان و احساس تعهد آنان، همراه با تنوع موضوعات ادبی، از خصوصیات بارز ادبیات این عصر به حساب می‌آید. این نوآوری مضامین در قالب سروده‌های سیاسی و ملی، با قبول نوعی تعهد در نظم و نثر، «ادبیات متعهدانه» را پایه‌ریزی کرد.

البته در ادبیات عصر مشروطیت گاه تعارضاتی هم از حیث اندیشه‌ها و عقاید سیاسی دیده می‌شود و این اختلافات در واقع از فضای سیاسی متشنج زمان و عواقب آن در سطح کشور ناشی می‌شدند؛ چراکه گروهی با ادبیات حزبی، جبهه‌ای و مسلکی به مقابله با ادبیات ملی و میهنی روی می‌آوردند و گاه مضامین ادبی در این دوره عمل‌کرد واقعی خود را از دست می‌دادند و به‌گونه‌ای غیراصولی و با تشتت آرا همراه می‌شد؛ چنانکه حتی حاکمان وقت نیز بعضاً می‌کوشیدند از افکار و تمایلات شاعران و نویسندگان در جهت تامین خواسته‌های خود و سرکوبی مردم استفاده نمایند. شاخه‌ای از ادبیات سیاسی ایران این دوره نیز که از تمایلات خارجی متأثر بود، با عنوان حمایت از طبقه محروم و ادبیات کارگری و زحمت‌کشان، نیازهای توده مردم را موضوع اصلی شعر خود قرار داد و کسانی مثل فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی و محمدعلی افراشته به مناسبت‌هایی در تأیید و تقویت این گرایش‌ها می‌کوشیدند.

با این‌همه در این‌زمان همه شاعران و نویسندگان با قدرت سخن خود در میان مردم نفوذ زیادی پیدا کردند. در مراکز ادبی آن زمان از جمله در تبریز، رشت، اصفهان، مشهد و شیراز، موضوعات متنوع ادبی مانند نمایش‌نامه، داستان، رمان، مقالات انتقادی، طنزآمیز و سیاسی به تدریج رواج یافتند. در این دوره نثر رفته‌رفته پیشرفت کرد و پیشی گرفتن نثر بر شعر، از خصوصیات بارز ادبیات این دوره به‌شمار می‌رود. نثرنویسی در قالب قصه، رمان، نمایشنامه، نقد، مقاله و... جهت تفهیم و تأثیر بیشتر و بهتر افکار سیاسی در اذهان مردم، در داخل و خارج از کشور ادامه داشت. این آثار بعدها سرمشق خوبی برای کسانی قرار گرفتند که می‌خواستند عقاید و اندیشه‌های خود را با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی زمان به نوعی دیگر بیان کنند و مقدمه و مشوق حرکت‌های اجتماعی و انقلابی در مردم باشند.

تحلیل آثار آخوندزاده

میرزا فتح‌علی‌خان آخوندزاده با بهره‌گیری از قالب‌های ادبی، در کنار نگارش داستان، نمایش‌نامه و مقاله، شعر انتقادی می‌سرود و اولین کسی بود که وقایع زمان را در قالب نمایش‌نامه مطرح کرد و

نوشتن نمایش‌نامه‌هایی در سبک کمدی رئالیستی را آغاز نمود. وی «نخستین کسی بود که رئالیسم کامل را در ادبیات آذربایجان به وجود آورده است و رهبری و آموزگاری کمدی‌نویسان آذربایجان را بر عهده گرفته است.» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۳۵۰)

دوره مشروطه را می‌توانیم آغازگر تمثیل‌های نو بدانیم. تمثیل‌هایی که پیوند ساختاری و موضوعی با تمثیل‌های غرب دارند. یکی از شکل‌های تمثیل در غرب حکایت است. تمثیل که در ادبیات فارسی به شکل‌های مختلف حضور داشته است و در ادبیات تعلیمی به شکل روایت بیان می‌شد در دوره مشروطه به شکل‌های مثل و حکایت و گاهی افسانه‌گونه به چشم می‌خورد. آخوندزاده در به کارگیری تمثیل در قالب تمثیل‌های غرب موفق بوده است البته باید توجه داشت تنها در ساختار، تمثیل‌های آخوندزاده و دوره مشروطه به تمثیل‌های غرب شباهت دارد در موضوع و محتوا و در کاربرد زبان و در به کارگیری از کنایات و نمادها تفاوت بسیاری در تمثیل‌های دوره مشروطه با تمثیل‌های غربی می‌بینیم. آخوندزاده در تمثیل حکایت یوسف شاه، که به نام ستارگان فریب خورده نیز آمده است، ظلم و استبداد شاه و نادانی و چاپلوسی وزرا و رجال و روحانیان و حاشیه‌نشینان دیگر را به شکل تمثیل حکایت می‌کند. در این داستان یوسف شاه تمثیلی از رجل سیاسی و اصلاح‌گر است که با برنامهٔ وسیعی دست به کار زده که در چهرهٔ او، ایده‌آل اصلاحات اجتماعی و فرهنگی نمودار است. در این حکایت تمثیلی خواص و صفات هر کس بارز و مشخص و قیافه‌ها همه طبیعی و زنده و جاندار است و هر یک از قهرمانان نماینده واقعی و حقیقی صنف خود هستند. حوادث داستان خوب به هم پیوسته و هر حادثه‌ای، حادثهٔ دیگر را به دنبال می‌کشد. زبان این حکایت تمثیلی طنز و هزل تند و نیش‌دار است و نویسنده در مورد هیچ‌کس گذشت و اغماض روا نداشته است.

تمثیل در این دوره پیوند بسیار نزدیکی با نماد دارد. نماد در واژه و مفردات و تمثیل در کل یک اثر نمود می‌یابد یعنی می‌توان گفت که نماد از اجزای تمثیل است. به عبارت دیگر اگر به اثری از نظر کلی نگاه کنیم تمثیلی است و اگر اجزای آن را در نظر بگیریم نمادین و سمبلیک است علاوه بر این در تمثیل مشبه ژرف‌تر از مشبه‌به یعنی ظاهر تمثیل است.

نمایش‌نامه‌های آخوندزاده کم و بیش همه تمثیلی هستند. حکایت ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر نخستین اثر آخوندزاده و پیش‌درآمد هنر درام‌نویسی او است. نویسنده مرد دروغ‌گو و ماجراجویی را که مدعی کیمیاگری است و اهالی بسیار محترم شهر نوخا را که مردمی نادان و طماع و سودجو و اجمالاً مظهر زشتی و بدی هستند، در برابر چهرهٔ مثبت حاجی نوری شاعر قرار داده است. این شخص کسانی را که فریب سخنان ملا ابراهیم خلیل را خورده و باور کرده‌اند که وی حقیقتاً می‌تواند مس را مبدل به طلا

سازد، نصیحت و ملامت می‌کند که اکسیر را باید در هنر و توانایی خود انسان جست: «آری، هنر من به راستی اکسیر است. اما چنان که می‌گویید برای اکسیر فلزی باید که تأثیر آن را بپذیرد برای درک هنر من هم باید ارباب ذوق و کمال و معرفتی باشند تا قدر سخنانم را بدانند. حالا که از بخت بد من شما آقایان همشهریان نه عقل و کمال و نه فهم و شعور دارید، از هنر من چه سودی خواهد بود و اشعار من به چه درد خواهد خورد؟» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۵۱) لیکن این بیانات پرمغز او، بازرگانان شهر را خوش نمی‌آید و شاعر را از خود می‌رانند و او هنگامی که از مجلس رانده می‌شود چنین می‌گوید: «من رفتم اما بدانید که سخن حق تلخ است.» (همان: ۳۵۲) کنایات و مثل‌ها از برجستگی‌های مؤلفه‌های تمثیلی این حکایت است. حاجی نوری شاعر بر خلاف نظایر و امثال خود، مردی دانشمند و نیک‌بین و به آینده ملت خود امیدوار است. در این حکایت تمثیلی در سیمای ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر و مردم عوام و بیچاره شهر نوخا زندگی و خصوصیات اجتماعی و معیشتی آذربایجان و در چهره حاجی نوری روشن‌فکران پیش‌رو نیمه دوم قرن نوزدهم آنجا ارائه شده است. هنر آخوندزاده در آن است که با رسواسازی تیب منفی، بستر و قشر منسوب به او را از کردارهای وی مبرا می‌سازد.

دومین تمثیل آخوندزاده، «موسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه جادوگر معروف» است. در این تمثیل، مؤلف دنیای تاریک و مظلم شرق را با جهان روشن غرب مقایسه کرده است. در تمثیل، چهر، مستعلی شاه جادوگر، شیادی و عوام‌فریبی درویش و ملانمایان ریاکاری که از جهل و نادانی مردم سود می‌برند، و در سیمای میسو ژوردان، گیاه‌شناس، ایده‌آل‌های مترقی تمدن غرب و در قیافه شاهباز بیگ، که به تشویق میسو ژردان به هوس رفتن به پاریس و کسب معلومات جدید افتاده، لزوم اخذ تمدن اروپایی و میل و رغبت آفا‌زادگان آن زمان به فرا گرفتن هنر به دانش دنیای نوع منعکس گردیده است.

سومین تمثیل آخوندزاده اثری رئالیستی است که معیشت دهقانان و روستاییان آذربایجان را در اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم مسیحی مجسم می‌کند، به نام «حکایت خروس قولدورباسان یا دزدافکن» است. در این نمایش تمثیلی، قلدری و چاقوکشی مردان، اسیری و بدبختی زنان و گوشه‌های تاریک دیگری از زندگی اجتماعی ارائه شده است.

تمثیل چهارم «سرگذشت وزیرخان سراب»، است در این سرگذشت نویسنده به اصول اداره فنودال تاخته و حرکات ابلهانه خان و دورویی و چاپلوسی وزیرخان را با مهارت و هنرمندی تصویر کرده است. اما پس از آن که تیمور آقا زمام حکومت را به دست می‌گیرد، وزیران دورو و متملق را، که شایستگی نام و مقام خود را ندارند، از کار برکنار کرده به جای آنان مردان آزموده و پاکدامن می‌گمارد.

وی جوانی است که با هوش خدادادی خود مفاصد محیط محدود دربار خود را به خوبی دریافته است ولی هنوز آن مرد سیاست و عمل نیست که بتواند در اصول اداری اصلاحات اساسی پدید آورد.

پنجمین تمثیل آخوندزاده به نام «سرگذشت مرد خسیس یا حاجی قرا» است. از این تمثیل به عنوان «قوی‌ترین و مشهورترین تمثیل‌های کم‌دی میرزا فتحعلی آخوندزاده» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۵۳) یاد کرده‌اند. گفته‌اند: «مضمون این تمثیل را قاسم بیگ شاعر قراباغی متخلص به ذاکر، که با آخوندزاده دوستی و مکاتبه داشته است، به او داده و آخوندزاده آن را آراسته و کم‌دی مرد خسیس را به وجود آورده است» (همانجا). در این اثر رئالیستی صحنه‌های جالبی از زندگانی اجتماعی مردم آذربایجان در اواسط قرن نوزدهم میلادی نمایش داده شده و از لحاظ بیان ظلم و استبداد و استثمار و خست و صفات نکوهیده دیگر آن زمان اهمیت تاریخی دارد. حاجی قرا، قهرمان اصلی نمایشنامه مرد تاجر پیشه خسیسی است که بیماری یا شهوت خست بر وجود و هستی او استیلا یافته و او را به وضع مضحکی انداخته است. در این تمثیل «حاجی قرا» در عین این‌که مردی است که بسیار خسیس و ترسو و دروغگو، از بعضی صفات پسندیده انسانی مانند هوش و فراست و حاضر جوابی و زنده‌دلی و تدبیر بی‌بهره نیست. این شخص زندگی را خوب درک می‌کند و برای رسیدن به هدف و مقصودی که دارد از کوشش و تلاش روی بر نمی‌گرداند. چهره جالب دیگری در این تمثیل، «حیدرببیگ» است که باقی‌مانده یک خاندان نجیب و به عبارت بهتر نماینده افلاس اصول کهن اربابی و ملک‌داری است. حیدرببیگ با این که راه‌زن و قاچاقچی است، عنصری، عالی‌جناب، غیرتمند و از خیانت و دروغ و ریا گریزان است. این شخص نیروی زیادی در خود سراغ دارد، ولی قادر نیست که آن را در راه مناسبی به کار بیندازد و از آن بهره‌مند گردد، زیرا از کسب و کار و تجارت روگردان است و پیوسته نظر به گذشته ناپود دارد و برخلاف حاجی قرا که همیشه در اندیشه افزودن سرمایه و دارایی خویش است، نمی‌داند چگونه و از چه راه دیگری پول و ثروت به دست بیاورد. به هر حال این هر دو مظهر مبادی محدود و خودبینانه و ضد اجتماعی در زندگی هستند.

ششمین تمثیل حکایت «وکلائی مرافعه در شهر تبریز» است. این تمثیل آخرین نمایش‌نامه کم‌دی آخوندزاده است. نویسنده در این نمایش‌نامه فساد دستگاه عدالت، حق شکنی‌ها و حقه‌بازی‌های وکلای دعاوی را به شدت نکوهش کرده است و برای این‌که توجه مأمورین سانسور دولت استبدادی روس را جلب نکند، صحنه وقوع حوادث را عمداً در شهر تبریز قرار داده است. در این تمثیل، آقا مردان، وکیل دعاوی، که با دسایس و شیادی‌هایش در شهر تبریز شهرت یافته، برای آن که ۶۰ هزار تومان میراثی را که به سکینه خانم از برادر متوفایش حاجی غفور خواهد رسید، با حکم دادگاه بالا

بکشد حیلها و حقه‌ها می‌زند، شاهدهای دروغی می‌تراشد و سعی می‌کند که حاکم شرع و حاشیه‌نشینان محضر را با خود همراه کند. لیکن برخلاف انتظار او شهودی که اقامه کرده، پته‌اش را به روی آب می‌اندازد و بدین ترتیب حق و عدالت غالب و مرد شیاد رسوا می‌شود.

نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی به نثر این دوره باید بر این نکته تأکید کرد که تمامی انواع ادبی نثر مشروطه به سمت ساده‌نویسی، روانی و عوام فهم بودن سوق یافت و آزادی‌خواهی، سنت‌شکنی، قانون‌خواهی، تجددطلبی توجه به اهمیت و نقش مطبوعات از خصوصیات درون‌مایه این آثار محسوب می‌شود. دوره مشروطه را می‌توانیم آغازگر تمثیل‌های نو بدانیم. تمثیل‌هایی که پیوند ساختاری و موضوعی با تمثیل‌های غرب دارند. یکی از شکل‌های تمثیل در غرب حکایت است. تمثیل که در ادبیات فارسی به شکل‌های مختلف حضور داشته است و در ادبیات تعلیمی به شکل روایت بیان می‌شد در دوره مشروطه به شکل‌های مثل و حکایت و گاهی افسانه‌گونه به چشم می‌خورد. آخوندزاده در به کارگیری تمثیل در قالب تمثیل‌های غرب موفق بوده است البته باید توجه داشت تنها در ساختار، تمثیل‌های آخوندزاده و دوره مشروطه به تمثیل‌های غرب شباهت دارد در موضوع و محتوا و در کاربرد زبان و در به کارگیری از کنایات و نمادها تفاوت بسیاری در تمثیل‌های دوره مشروطه با تمثیل‌های غربی می‌بینیم.

آخوندزاده تمثیل را معادل درام برای اصلاح اخلاق و عبرت گرفتن خوانندگان و شنوندگان می‌داند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۵). فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز. کتاب‌های مرجع، چاپ اول، تهران: انتشارات کاروان.
۲. آخوندزاده، میرزافتحعلی (۱۳۴۹). تمثیلات: شش نمایش‌نامه، ترجمه محمد باقر داغی، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
۳. آدمیت، فریدون (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتح‌علی آخوندزاده. تهران: انتشارات خوارزمی.
۴. آراین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). از صبا تا نیما، تهران: انتشارات زوار.
۵. پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۸۰). روشنگران ایرانی و نقد ادبی. تهران: سخن.
۶. جی‌گریس، ویلیام (۱۳۸۱). ادبیات و بازتاب آن، ترجمه: بهروز غرب‌دفتری، تبریز: خوروش.
۷. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). نمودارهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: چاپ نقش جهان.

۸. قزوینی، عارف (۱۳۹۹). دیوان. مهدی اخوت و محمدعلی سپانلو. تهران: انتشارات نگاه.
۹. کرمی، محمد حسین و همکاران (۱۳۸۸). پژوهشی در تئوری و کارکرد طنز مشروطه. متن شناسی ادب فارسی، (۱)، اصفهان. صص ۱-۱۶.
۱۰. کمالی بانینانی، مهدی رضا و حسین آریان (۱۳۹۶). «شاخه‌ها و شاخه‌های تمثیل در ادبیات دوره مشروطه». فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. دوره ۹، شماره ۳۱، بهار، صفحه ۹۲-۱۱۶. بوشهر.

References

1. Aslani, mohammad Reza (1385). Vocabulary dictionary and humorous terms. Reference books, first print, Tehran: Caravan publications. (in persian)
2. Akhundzadeh, Mirza Fath_Ali (1349). Allegories: six plays, translated by Mohammad Baqer Daqi, second print, Tehran: Kharazmi publications. (in persian)
3. Adamiyat, Fereydun (1349). Mirza Fath_Ali Akhundzadeh's thoughts. Tehran: Kharazmi publications. (in persian)
4. Aryanpour, Yahya (1372). From Saba to Nima, Tehran: Zavar publications. (in persian)
5. Parsinejad, Iraj (1380). Iranian enlightened thinkers and literary criticism. Tehran: Sokhan publications. (in persian)
6. J. Grace, William (1381). Response to literature, Translation: Behrouz Qarb Daftari, Tabriz: Khorvash publications. (in persian)
7. Rohol Amini, Mohmoud (1379). Cultural and social records in persian literature, Tehran: Naghsh Jahan print. (in persian)
8. Qazvini, Aref (1399). The poetical works. Mehdi Okhovat and Mohammad Ali sepanlou. Tehran: Negah publications. (in persian)
9. Karami, Mohammad Hossein and his collaborators (1388). A survey on the theory and practice of mashrote satire. Persian literature of texology, 1(1), Isfahan. Pages 1-16. (in persian)
10. Kamal Baniani, Mehdi Reza and Hossein Arian (1396). " Branches and indicators of allegory in constitutionalism literature". journal of allegory researches in persian language and literature. Period 9, number 31, spring, page 116-92. Bushehr. (in persian)

Original Paper **Allegory in the prose of the constitutional period based on the prose of Mirza Fath Ali Akhundzadeh**

Seyed Hassan Fazeli^{*1}

Abstract

Intellectuals, libertarians, scholars and clerics, and even merchants of the Qajar era, created a new form of national and political literature. They waged political struggles with the weapon of thought and speech, and in the press and journalism, or by using the talent of poetry and poetry and writing in order to convey political and national thoughts and ideas, they demanded legalism and constitutionalism, and most of their audience was young and mass. They were people, they turned to simplicity and simplicity of words and allegories. The allegories of this period are equivalent to its Western meanings, anecdote, parable and wisdom. Akhundzadeh considers allegory to be the equivalent of a drama to improve morality and to teach readers and listeners a lesson. Turning to humor in this period led to the popularity of humorous allegories. The symbol in the constitutional period has a strong connection with the allegory. The background of the research, according to the keywords, contains various valuable and scientific works, but in the title of the research, the allegory in Akhundzadeh's prose is new in its kind. The necessity and main and secondary goals of the article have been formed in getting acquainted with constitutional prose and recognizing allegory in Akhundzadeh prose. This research in a citation-library method with an analytical approach by extending the scope of the article to the prose of the constitutional period and the field of prose has limited this period to Akhundzadeh prose, and in his works has studied the function of allegory in the prose of that period.

Keywords: allegory, prose, constitution, Akhundzadeh.

Received: 11 July 2021 **Accepted:** 27 September 2021 **Available online:** 5 February 2022

1. PhD Student in Persian Language and Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. hfazeli016@gmail.com

Please cite this article as (APA): Fazeli, Seyed Hassan. (2022). Allegory in the prose of the constitutional period based on the prose of Mirza Fath Ali Akhundzadeh. *Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature*, 51(14): 106-119. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1401.14.51.5.1>.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.51.5.1

Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 51 / Spring 2022